[خطبه‌ی اول 3](#_Toc463781099)

[حسادت 4](#_Toc463781100)

[گام اول برای درمان حسادت؛عدم اظهار آن 4](#_Toc463781101)

[گام دوم برای درمان حسادت؛ خالی کردن دل از آن 4](#_Toc463781102)

[گستره حسادت و آثار سوء آن 4](#_Toc463781103)

[آتش حسادت برای خود حسود 6](#_Toc463781104)

[علل حسادت از نگاه دین 6](#_Toc463781105)

[تعزز 8](#_Toc463781106)

[راه مقابله با تعزز 8](#_Toc463781107)

[خطبه‌ی دوم 10](#_Toc463781108)

[فرازی از توصیه‌های امیرالمومنین(ع) 10](#_Toc463781109)

[میلاد امام باقر(ع) 11](#_Toc463781110)

[گرامیداشت یاد و خاطره‌ی مرحوم آیه الله خاتم یزدی 11](#_Toc463781111)

[حادثه‌ی 11 سپتامبر 12](#_Toc463781112)

[کینه‌ها و عداوت‌های درونی غربی‌ها در قرن 20 12](#_Toc463781113)

[دخالت آمریکا در همه‌ی جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای و مصونیت آن‌ها از اثرات جنگ 12](#_Toc463781114)

[آثار امنیتی، اقتصادی و سیاسی حادثه 13](#_Toc463781115)

[احتمالات موجود در این قضیه 13](#_Toc463781116)

[نکات قابل توجه دولت‌مردان آمریکا 13](#_Toc463781117)

[1. امنیت پوشالی آمریکا.... 14](#_Toc463781118)

[2. عدم دخالت در مسائل داخلی کشورها..... 14](#_Toc463781119)

[3. احترام به سایر فرهنگ‌های زنده‌ی دنیا..... 14](#_Toc463781120)

[4.عدم پیروی از صهیونیست‌ها..... 14](#_Toc463781121)

[برخورد با همه‌ی اشکال تروریسم 15](#_Toc463781122)

[بازگشایی مدارس و لزوم توجه به خانواده‌های نیازمند 15](#_Toc463781123)

[سالگرد آیه الله اعرافی 16](#_Toc463781124)

[**دعا** 16](#_Toc463781125)

# خطبه‌ی اول

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) «وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی»[[3]](#footnote-3)**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## حسادت

بحث ما در مورد حسادت و حسد بود. همان‌طور که ملاحظه فرمودید، حسادت این بود که انسان تحمل دیدن خوشی و سعادت فرد دیگری را نداشته باشد و دوست دارد که این نعمت از آن فرد، گرفته شود. این حسادت است که مقابل آن‌هم غبطه و تنافث بود که در یکی دو خطبه‌ِی قبل به آن پرداختیم. عرض کردیم که بر اساس آنچه از روایات استفاده می‌شود، یکی از خطرناک‌ترین صفت‌های روحی و رذایل اخلاقی در انسان، مبتلای به حسادت است و این‌که نتواند حسادت خود را کنترل کند. باز هم عرض شد که آفت حسادت از آن آفت‌های خیلی فراگیر و دامنه‌دار هست و کمتر کسی را می‌توان یافت که از آفت حسد و رشک بردن نسبت به دیگران، آزاد باشد. از همین جهت هم هست که در روایات، سخت نگرفته‌اند.

### گام اول برای درمان حسادت؛عدم اظهار آن

در روایات هست که اگر حسادت شما در دل، عمل، چهره و در برخورد با دیگران ظاهر نشد خداوند با عنایت خود آن را می‌بخشد؛ اما این کار بسیار مشکل است. بنابراین ما اول باید تلاش کنیم تا در عمل و رفتار ما حسادت و رشک بردن نسبت به دیگران، ظاهر نشود؛ حتی اگر در دل هم احساس نسبت به این‌که کسی علم، مال، مقام و نعمتی دارد و نمی‌توانیم تحمل نمی‌کنیم، سعی کنیم در برخود ما با او ظاهر نشود. تلاش اولیه‌ی ما باید این باشد که برخورد خود را کنترل کنیم.

### گام دوم برای درمان حسادت؛ خالی کردن دل از آن

البته قدم مهم‌تر این است که تلاش کنیم دل خود را از حسادت خالی کنیم؛ قلب را از این کدورت و غبار و آفت مخرب اخلاقی، پاک‌سازی کنیم. این قدم بالاتری است که اگر کسی بتواند دل خود را از حسادت پاک کند؛ قلب را از رشک بردن به دیگران پاک کند، خیلی از درجات ایمان را طی کرده است؛ وگرنه حسادت همان‌طور که در روایات آمده، در دل و قلب انسان، ایمان را از بین می‌برد.

### گستره حسادت و آثار سوء آن

هر چه دایره‌ی حسادت و رشک بردن نسبت به دیگران گسترش پیدا کند و توسعه پیدا کند، باعث این می‌شود که ایمان انسان پایین‌تر بیاید و زایل شود و ممکن است که حسادت گاهی آن‌قدر ریشه در قلب آدمی بدواند و آن‌قدر در اعماق روح انسان گسترش پیدا کند که انسان را مبتلای به سلب ایمان کند و داخل در دایره‌ی کفر و شرک و خروج از ایمان و فسق شود. همان چیزی که حتی شیطان را با آن‌همه سابقه‌های درخشان از عبادت و بندگی خدا، را از پا در آورد. شیطان نتوانست مقام و منزلت حضرت آدم را تحمل کند و به خاطر همین حسادت‌ ورزیدن به حضرت آدم و غرور و عجبی که به آن مبتلا بود، دست از فرمان خدا برداشت و فرمان‌بری نکرد و سجده نکرد و به‌جایی رفت که نباید می‌رفت و در دره‌ی هولناک لعنت و نفرین خدا سقوط کرد. این عاقبتی است که اگر ما خود را کنترل نکنیم؛ اگر در خانه، محیط کار، در ارتباط با دوستان به این توجه نداشته باشیم که ممکن است مبتلای به حسادت شویم و ممکن است این حسادت چنان ریشه بدواند که تمام ایمان ما را بسوزاند. اگر به این نکات توجه نداشته باشیم ممکن است در این دره سقوط کنیم. این‌ها مطالبی بود که قبلاً خدمت شما عرض شده بود. حسادت و فرق آن را با رقابت و غبطه و تنافس را گفته‌ایم و آثار مخرب آن را هم ذکر کردیم. در خطبه‌ی دیگری هم آثار حسادت را عرض خواهیم کرد.

سؤال بعدی که ما در باب حسادت قابل طرح است و باید به پاسخ آن برسیم این است که عوامل پیدایش حسادت چیست؟ حسادت یک صفت روحی است. یک حالت روحی است که در روان‌ و جان انسان پیدا می‌شود و باعث زوال ایمان می‌شود و منشأ این می‌شود که انسان در خانه، جامعه و محیط کار از خود رفتارهای بدی را نشان دهد. روابط او با دیگران، روابط ناسالمی شود. به‌هرحال حسادت، منشأ خیلی از آثار مخرب خانوادگی و اجتماعی می‌شود. سؤالی که اینجا هست این است که این حسادت چطور پدید می‌آید؟ چه علت و عواملی در دل و قلب انسان می‌آید و این روحیه‌ی حسادت را تولید می‌کند؟

**رقابت و غبطه روش عقلانی در برخورد با دیگران**

انسان بر اساس طبع خود اگر بر اساس عقل و میزان منطق و روش درست بخواهد عمل کند، نباید مبتلای به حسادت شود. فوق آن این است که انسان باید رقابت و غبطه بخورد. اگر می‌بیند کسی چیزی دارد، باید تلاش کند که او هم به دست بیاورد. این چیز خوبی است. عقل هم همین را می‌گوید. می‌گوید اگر کسی علم دارد؛ اگر کسی چیزی دارد؛ اگر موقعیتی دارد و تو خیلی حساس هستی می‌توانی با برخورد و عمل خود تلاش کن تا به آن برسی. منطق به ما می‌گوید نعمتی که دیگری دارد اگر چیز بدی است، باید از آن چشم‌پوشی کنی و اگر هم چیز خوبی است، تلاش کن تا تو هم به آن برسی. اگر کسی مالی را از غیر راه حلال به دست آورده و از طریق نامشروع به دست آورده، اصلاً نباید رقابت و چشم‌داشتی داشت. چیز حرام ارزشی ندارد. اگر هم حلال و مشروع است، تو هم تلاش کن تا پیدا کنی. اگر از این انسان بالاتر رفت؛ علاوه بر رقابت دلش می‌خواهد که دیگری نداشته باشد؛ نسبت به او کینه می‌گیرد و دشمنی می‌کند که چرا تو داری، این شیطان است. خودتان را بسنجید. اگر دیدید در دل احساس می‌کنید می‌خواهید شما هم داشته باشید؛ می‌کوشید که شما هم آن علم، موقعیت و نعمت را داشته باشید، این درست است و شیطانی نیست؛ اما اگر از این مرز جلوتر رفتید و احساس کردید که در دل نسبت به این خانم و آقایی که دارد و تو نداری، کینه و دشمنی داری و دوست داری از او گرفته شود، این شیطان است. این را به یاد داشته باشید و بسنجید و لازم هست که انسان با همین ملاک اخلاق خود را اصلاح کند. ببینید این‌که دارای چیزی است دوست نداری داشته باشد یا دوست داری تو هم داشته باشی. اگر دوست داری تو هم داشته باشی، این خدایی است. این انگیزه‌ی انسانی است. تو هم تلاش کن اگر حلال است تلاش کن تا به دست بیاوری و اگر هم حرام است که حسادت ندارد. این خدایی است؛ اما اگر خدای‌ناکرده به قلب خود مراجعه کردم و دیدم از این‌که خواهر و برادر ایمانی، همکار، دوست، خویش و قوم چیزی دارد و من نمی‌خواهم که او داشته باشد و از این‌که دارد ناراحتم؛ دوست دارم که از او گرفته شود، این شیطانی است و هیچ تردیدی در آن نیست. در خانه یا محیط کار، اگر این خصلت را داریم از الآن باید درصدد معالجه‌ی آن باشیم. حداقل آن این است که این را ظاهر نکنیم و حداکثر آن‌هم این است که با توکل بر خدا، این درخت را از ریشه از دل بیرون بیاوریم. درخت حسادت و کینه و دشمنی نسبت به دیگری، شیطانی است و باید از دل بیرون کرد. مرز این دو همین دو نکته‌ی ظریف و حساس است و شما وقتی‌که به متن تاریخ بروید و وقایع و حوادثی که برای بشر واقع‌شده را ببینید، خواهید دید که چه خساراتی در این دنیا برای حسود به بار آمده است.

### آتش حسادت برای خود حسود

روایت شریف از اما علی(ع) است که می‌فرماید: «**الْحَسُودُ كَثِيرُ الْحَسَرَاتِ مُتَضَاعِفُ السَّيِّئَات**‏»[[4]](#footnote-4) حسود، حسرت زیادی می‌خورد. حسادت، آتشی است که قبل از این‌که دیگران را به کام خود بکشاند، حسود را به کام خود می‌کشاند چون قبل از هر چیز او غصه می‌خورد. حسود دوست ندارد برای این‌که برخوردی دارد که کسی با او رفاقت نمی‌کند. در برخی از جملات هست که می‌فرماید: انسان برای کسی که مبتلای به حسادت است، باید رحم کند؛ چون او بدون دلیل در آتش می‌سوزد. قضا و قدر الهی، آنچه مقدر است را به بندگان می‌رساند. اگر هم تو به دنبال مال، نعمت، موقعیت هستی، تلاش کن تا به آن برسی. اگر بیش از این می‌خواهی این را از دست دیگری بگیری و می‌خواهی او هم نداشته باشد، این شیطان است و در آن تردید نکنید. از مهم‌ترین نمودهای شیطانی همین‌جاست که باید معالجه کرد.

**نهایت حسادت در انسان**

سؤالی که وجود دارد این است که این حسادت، با این ابعاد وسیع و آثار مخربی که برای ایمان انسان دارد و این اثر را هم اضافه کنم که گاهی حسود حاضر است که خود را به هلاکت برساند و به انواع دردها و رنج‌ها خود را مبتلا کند تا دیگری نداشته باشد. داستان‌هایی هست که حسود برای این‌که دیگری را به دام بیاندازد، خود را به کشتن داده تا طرف مقابل را به‌عنوان قاتل جا بزند. یعنی این‌قدر انسان اگر در حسادت فرو رود ممکن است این‌قدر مبتلا شود و روح او آلوده شود که به خود ضرر بزند برای این‌که او نداشته باشد. به خود لطمه بزند؛ حتی خود را به قتل برساند، برای این‌که او نداشته باشد. روح انسانی این‌قدر پیچیده است؛ یعنی انسانی که آن گوهر الهی است و فطرت پاک خدادادی دارد و می‌تواند به آن درجات و مقامات عالی برسد، ممکن است آن‌قدر سقوط کند و آن‌قدر پست شود و به‌جایی برسد که به خود آسیب برساند؛ برای این‌که او نداشته باشد. ممکن است انسان به این درجه از آلودگی و پستی روح برسد. ما باید این جهت را در خود معالجه کنیم.

### علل حسادت از نگاه دین

با توجه به آنچه ذکر شد، سؤالی که هست این است که چه عواملی می‌تواند در انسان حسادت را به وجود بیاورد؟ چطور می‌َشود که انسانی که طبیعتاً دارای روح لطیف و فکر عاقلانه و فطرت انسانی است، مبتلای به حسادت شود؟ نه این‌که رقابت کند. نه این‌که تلاش کند که او هم داشته باشد. خیر؛ حسود شود و دیگری را تحمل نکند و با او دشمنی بورزد. چرا انسان این‌گونه می‌شود؟ این سؤال به یک بیان در احیاءالعلوم غزالی مطرح شده است که مرحوم فیض کاشانی هم در محجه البیضا آن را آورده‌اند. من در این فرصت کوتاه به آن بحث اشاره می‌کنم.

**امام محمد غزالی و کتاب احیاءالعلوم**

یکی از بهترین کتب اخلاقی که در تاریخ اسلام نوشته شده، کتاب احیاءالعلوم غزالی است. البته ایشان از علمای اهل سنت است و شرح‌حال خیلی عجیبی دارد که به آن اشاره نمی‌کنم. کسی که در نظامیه‌ی بغداد سال‌ها استاد ماهر و زبردست و شناخته‌شده‌ی نظامیه‌ی بغداد است و از چهره‌های بسیار مهم دنیای اسلام است و در حدود سن چهل‌سالگی ناگهان روح عرفانی پیدا کرد و تمام مقامات و مناسب و موقعیت خود را در نظامیه‌ی بغداد را رها کرد. می‌گوید من حس کردم که من عالم هستم؛ عالم هست و آثار زیادی دارم؛ اما وقتی حساب کردم دیدم که خودم آدم نشدم. این روح، روح خیلی مهمی است و من وارد داستان ایشان نمی‌شوم. غزالی دانشمند معتبر، مشهور در بغداد و جزو عالمان و مدرسان برتر نظامیه‌ی بغداد، ناگهان تحول روحی پیدا می‌کند و احساس می‌کند که علم دارد ولی آن ایمان و لطافت روح در او ناقص است. مردانگی کرد و رشادت و دلیری به خرج داد و همه‌ی این موقعیت‌ها و وجهه‌ای که داشت را بیرون ریخت و ناشناس، شب‌هنگام کوله‌باری برداشت و از بغداد خارج شد و به مسافرت رفت. به شهرهایی رفت و تحولات روحی عجیبی پیدا کرد. بعدازاین تحولات روحی بزرگی که برای امام محمد غزالی پدید آمد، کتاب احیاءالعلوم را نوشت که از معتبرترین و ارزشمندترین کتاب‌های اخلاقی و معارف اسلامی است. شاید در تاریخ اسلام، کتاب اخلاقی با این اعتبار و ارزش و گستردگی و بسط در معارف اسلام و اخلاق کم داشته باشیم و از شاهکارهای کارهای علمای اسلام است. این کتاب بعد از بیرون رفت از بغداد و تحولات بزرگ عرفانی است و از کتاب‌های ماندگار و البته بسیار مؤثر در معارف اسلامی است و ظاهراً ترجمه هم شده است. البته غزالی، سنی است و بنابر برخی از نقل‌ها در اواخر عمر، به شیعه گرویده است و سندهایی هم وجود دارد که مستبصر شده و شیعه شده است. درهرحال کتاب مؤثری است؛ اما جایی که رنگ و بوی سنی مذهب دارد، مرحوم فیض کاشانی هم که از علمای بزرگ شیعه است. ایشان محدث، فیلسوف، فقیه و بسیار معتبر عالم تشیع است که چند قرن بعد از غزالی آمده است. ایشان کتاب احیاءالعلوم را گرفت و آن را اصلاح کرد؛ البته چهارچوب علمی و اخلاقی کتاب حفظ شده است و اسم آن را المحجه البیضاء گذاشت که به معنای راه روشن است و ترجمه هم شده است. اگر کسانی می‌خواهند در معارف اسلامی و اخلاق، مطالعه داشته باشند این یکی از کتاب‌های بسیار خوبی است که فیض کاشانی کتاب غزالی را بر اساس مبانی شیعه توضیح و تصحیح کرده است. شاید کمتر کتابی در تاریخ اسلام در باب مسائل اخلاق، مثل احیاء و بعد المحجه البیضا داشته باشیم.

من برای این سؤال با مراجعه به آن منبع، جوابی نقل می‌کنم؛ البته خود بنده هم نکاتی دارم که هفته‌ی بعد عرض می‌کنم. مرحوم غزالی و بعد فیض کاشانی در محجه البیضاء این‌طور جواب داده‌اند که علت ابتلای به حسادت، صفت‌های روحی دیگری است که باید آن صفت‌ها شناخته شود و برای معالجه هم باید ریشه شناسایی شود. اگر آن ریشه خشک شد، ثمر حسادت و دشمنی و کینه‌ورزی به دوستان و اقوام و همکاران است را هم می‌شود خشک کرد و از بین برد. اسباب و عللی که برای آن ذکر می‌کنند چند چیز است.

#### تعزز

تعزز اولین چیزی است که اولاً بد نیست ولی آرام‌آرام انسان را به وادی حسادت می‌کشاند. تعزز را این‌طور معنا کردند که فرد حساب می‌کند که دو تا دوست و همشهری و فامیل بوده‌اند و باهم معاشرت داشتند. در اینجا حس می‌کند رفیق او که این علم یا مقام یا پول یا هر نعمتی را که دارد، آن رفیق مبتلای به تکبر می‌شود و او تحمل کبر و غرور رفیق خودش را ندارد. این یک علت است که البته آن‌قدر بد نیست ولی نتیجه‌ی بدی را تولید می‌کند. دو دوست باهم هستند که وقتی یکی از آن‌ها دارای جایگاه شد، مغرور می‌َشود و این یکی تحمل تکبر و غرور او را ندارد. ازاین‌جهت مبتلای به غرور می‌شوم و می‌خواهدکه این نعمت از او گرفته شود. همه‌ی این صفات در زندگی ما هست و کسی نمی‌تواند ادعا کند که این صفت در من نیست. این سلسله بحث‌ها برای خودشناسی است تا خود را بسازیم. یکی از علل همین تعزز است. می‌بیند دوست او چیزی دارد و او از این بدش نمی‌آید اما وقتی او می‌بیند که او فخرفروشی می‌کند، تحمل نمی‌کند و ازاین‌جهت مبتلای به حسادت می‌شود و می‌گوید ای کاش این نعمت از او گرفته می‌شد. البته مقصر اولیه شخصی است که نعمت پیدا کرده و نباید نعمت خدا ما را از جا بیرون ببرد.

**تفاوت انسان الهی و مادی در برخورد با نعمت‌ها**

هنر انسان‌های کامل و شخصیت‌های بزرگ این است که وقتی نعمتی پیدا کردند، بیشتر تواضع و خضوع و خشوع پیدا می‌کنند. هر وقت مقامی به شما رسید؛ مالی به شما رسید؛ زراعت و کسب‌وکار شما خوب شد و تمکنی پیدا کردید؛ فرزند و خانواده‌ی خوبی داشتید؛ علم و موقعیت علمی پیدا کردید و احساس کردید که خود را برتر از مردم می‌دانید و بر مردم منت دارید، بدانید این شیطان است. انسان کامل کسی است که وقتی چیزی دارد، این را آزمایش الهی و برای خدمت‌رسانی می‌داند. اگر کسی نعمتی پیدا کرد ولی به غرور و عجب و خودپسندی شد و مبتلای به فخرفروشی به همکار و دوستان شد، اولاً خودش گناه می‌کند که مبتلای به تکبر شده؛ علاوه بر این گناه دیگری مرتکب شده است. او با تکبر خود رفیق خود را به دام حسادت می‌کشاند. یکی از علل حسادت همین است. من که به خاطر نعمتی که خدا به من داده، مبتلای به فخرفروشی شدم، این خصلت من موجب حسادت رفیق من می‌شود؛ چون او تحمل تکبر مرا ندارد. این اولین عامل که در اینجا دو توصیه باید داشته باشیم تا این عامل کنار گذاشته شود.

##### راه مقابله با تعزز

اول این است که اگر نعمتی به کسی رسید، غرور و عجب را از خود دور کند چون غرور هم گناه کبیره برای اوست و هم برای دوستان خود زمینه‌ِی حسادت را درست می‌کند. اگر من این غرور را از خود دور کنم، هم خودم را از تکبر پاک کردم و هم زمینه‌ی حسادت دوستان خود را از بین بردم. شرط و شکر نعمت‌داری و بهره‌مندی از نعمت خدا این است که بر تواضع انسان افزوده شود. گاهی عالمان پاک و وارسته‌ای هستند که هر چه بر علمشان افزوده می‌َشود، بر فروتنی او نیز افزوده می‌شود. این خصلت انسان‌های الهی است. این یک ارزش بزرگ الهی است. هر چه انسان آگاه‌تر و بصیرتر و واقف‌تر به نعم الهی است، از تکبر دورتر است.

**گناه دوسویه‌ی تکبر**

تکبر مایه‌ی این است که دیگران تحمل او را نداشته باشند و به گناه بیافتند. متکبر دو گناه می‌کند. یک گناه تکبر اوست و دیگری هم این است که برای دیگران زمینه‌ی حسادت را فراهم می‌کند؛ چون دیگران تحمل تکبر او را ندارند و او آرزوی گرفته شدن نعمت انسان متکبر را دارد. هم خود گناه می‌کند و هم دوست خود را به گناه انداخت. اولین عامل نشر و گسترش حسادت در میان مردم، از کسانی پیدا می‌شد که خداوند به آن‌ها نعمتی داده است و از این نعمت فخرفروشی و منت بر سر دیگران داشتن پیدا می‌کند و این اولین عامل برای ایجاد حسادت بین مردم می‌َشود. والا انسانی که دارای نعمتی است و متواضع است و نعمت خدا را در خدمت‌رسانی به کار می‌برد، این موجب می‌شود که دیگر آن‌هم تا حد زیادی به حسادت گرفتار نشوند. بنابراین اولین عامل حسادت، تعزز است که من تحمل تکبر صاحب نعمت را ندارم.

**حسادت و دشمنی دو عامل به‌هم‌پیوسته**

این هم روشن است که حسادت، منجر به عداوت و کینه می‌شود؛ چون حسادت هم معلول عداوت و کینه است و هم علت تولید عداوت و کینه. مقداری کسی با شخصی دشمنی دارد و بی‌انصافی می‌کند و به حسادت مبتلا می‌َشود و تلاش می‌کند تا این نعمت را از او بگیرد. این حسادت هم کینه و دشمنی را بین آن‌ها بیشتر می‌کند و جلو می‌رود و به‌جاهای باریک می‌رسد. حسادت و دشمنی، دو عامل به‌هم‌پیوسته هستند. هر کدام دیگری را تولید و اضافه می‌کند و علت آن‌هم این است که انسان نباید دشمنی داشته باشد و اگر هم دارد نباید بی‌انصافی کند. خیلی مهم است که انسان در مقام دشمنی، از طریق انصاف بیرون نرود و حد و حدود را رعایت کند. اگر این کار را نکند ممکن است همین کینه، حسادت تولید کند و حسادت دشمنی را زیاد می‌کند و همین‌طور لایه به لایه بر هم افزوده می‌شود و نتیجه‌ی آن روابط بسیار بدی می‌شود که در محیط کار، خانه و جامعه پدید می‌آید و آن‌همه آثار مخرب حسادت را تولید می‌کند. این هم عامل دومی است که ذکر شده است. شش عامل برای حسادت در کتاب محجه البیضا ذکر شده است که بقیه‌ی آن را در جلسات آینده ذکر می‌کنم و بعد هم به تجاربی که در علم جدید و روان‌شناسی هست، خواهیم داشت.

**«بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ»[[5]](#footnote-5)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[6]](#footnote-6)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** همه‌ی شما خواهران و برادران و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری، به یاد مرگ در همه‌ی احوال و یاد قبر و قیامت در همه‌ی احوال زندگی و به یاد خداوند و شکر و سپاس خداوند، سفارش و دعوت می‌کنم. خداوندا به همه‌ی ما توفیق شکر و ذکر خودت در همه‌ی احوال، عنایت و کرامت بفرما.

## فرازی از توصیه‌های امیرالمؤمنین(ع)

چند فرازی از کلام و سخن دل‌نواز و دل‌آرای مولا امیرالمؤمنین(ع) برای توصیه به تقوا را می‌خوانم. حضرت فرمودند: «**أَلَا فَاعْمَلُوا فِي الرَّغْبَةِ كَمَا تَعْمَلُونَ فِي الرَّهْبَة**»[[7]](#footnote-7) در خوشی‌ها و شادی‌ها درست عمل کنید؛ همان‌طور که در سختی‌ها و مشکلات، خوب عمل می‌کنید. خوشی‌ها شما را از جا بیرون نبرد و از مسیر شرع و خدا دور نکند. همان‌طور که وقت مصیبت و بلا، فرمان‌بر خدا هستید و شرط تقوا را پاس می‌دارید، همان‌طور در شادی‌ها و خوشی‌ها هم خدا را به یاد داشته باشید و طریق عدل و انصاف و شرط دستورات الهی را رعایت کنید. « **أَلَا وَ إِنِّي لَمْ أَرَ كَالْجَنَّةِ نَامَ طَالِبُهَا وَ لَا كَالنَّارِ نَامَ هَارِبُهَا**»[[8]](#footnote-8) حضرت می‌فرماید: بله آگاه باشید، من نعمتی مانند بهشت ندیدم که این‌طور جویندگان آن در خواب باشند. نعمتی با آن عظمت؛ اما جویندگان آن‌همه در خواب. ندیدم عذابی مانند جهنم که فراریان آن این‌طور در خواب باشند. چه شده است؟ شما در فطرت خود جوینده‌ی رضوان خدا و گریزان از عذاب الهی هستید؛ اما جویندگان و گریزانی که در خواب غفلت هستند. « **أَلَا وَ إِنَّهُ مَنْ لَا يَنْفَعُهُ الْحَقُّ يَضُرُّهُ الْبَاطِل**‏»[[9]](#footnote-9) کسانی که حق به سود آن‌ها نبود، باطل به آن‌ها زیان خواهد رساند. کسانی که طریق هدایت را نپیمودند، گمراهی‌ها در انتظار آن‌ها نشسته است و آن‌ها را به هلاکت می‌افکند. بله بندگان خدا؛ «**أَلَا وَ إِنَّكُمْ قَدْ أُمِرْتُمْ بِالظَّعْنِ وَ دُلِلْتُمْ عَلَى الزَّاد**»[[10]](#footnote-10) بله بندگان خدا بیدار باشید که شما امور به سفر هستید. امر و فرمان و قضای خدا بر شما، کوچیدن از این عالم است و در این سفر، راه به شما نشان داده شده است. هنر شما این است که این سفر و کوچ را باور داشته باشید و آن زادی که به شما نشان داده شده، در این عالم فراهم کنید. به شما کوچ را اعلام کرده‌اند و راه را نشان داده‌اند و توشه‌ها را برای شما مشخص کرده‌اند. بله بندگان خدا، بهوش باشید و بدانید که من از دو چیز برای شما امت پیامبر، در هراس و وحشتم. یکی پیروی از هوای نفس و دیگری آرزوهای طولانی که شما را به هلاکت و خاک مذلت می‌کشاند. «**فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدا**»[[11]](#footnote-11) این راه است و این زاد و این توشه و این ندای کوچی که بر شما خوانده‌اند. همه‌ی چشم‌ها شما را در حراست، گرفته است و زیر ذره‌بین قرار داده است که شما در این مسیر، چطور عمل می‌کنید؟ بندگان خدا بکوشید که از این دنیا، توشه‌ای برگیرید. توشه‌ای برگیرید که شما را در مواقفی که در پیش رو دارید؛ در خطرهایی که رویاروی شماست، شما را حفظ کند و این چیزی نیست جز خویشتن سازی و تقوا و پارسایی. امیدواریم که خداوند توفیق معرفت و شناخت و بصیرت نسبت به این حقایق، عنایت بفرماید.

## میلاد امام باقر(ع)

چند مطلب است که من فهرست‌وار باید به آن‌ها بپردازم. میلاد امام باقر(ع) است که در هفته‌ی آینده قرار دارد که به شما و خدمت امام زمان(ع) تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

## گرامیداشت یاد و خاطره‌ی مرحوم آیه الله خاتم یزدی

یاد و خاطره‌ِی عالم گران‌قدر و فرزانه، مرحوم آیه الله خاتم یزدی، نماینده‌ِی استان یزد در مجلس خبرگان رهبری را گرامی می‌داریم و برای شادی روح آن عالم بزرگوار، صلواتی ختم می‌کنیم. انصافاً مرحوم آیه الله خاتم یزدی که در سن 70 سالگی با ابتلای به بیماری سخت، دار فانی را وداع کردند، از علمای افتاده، متواضع، با سواد و ایثارگر و فداکاری بود. مرحوم آیه الله خاتم یزدی بعد از تحصیلاتی که در قم داشتند حدود سال 36 شمسی به نجف رفتند و در محضر علمای بزرگی شاگردی کردند و درجات علمی بالایی را در فقه و اصول را طی کردند. مرحوم آیه الله خاتم یزدی از مجتهدان به نام و جامع شرایط حتی برای مرجعیت بود. بعد از این‌که امام به نجف رفتند، ایشان با این‌که خودشان جایگاه خوبی داشتند و از شاگردان بزرگ آقای خویی و از اعاظم نجف بودند، به شورای استفتای امام رفتند و تا آخر عمر مبارک خود، در هیئت استفتای امام و شورای سیاست‌گذاری ائمه‌ی جمعه و در موقعیت‌های مختلف، خدمت کردند و بعد از حضرت امام هم جزو هیئت استفتای مقام معظم رهبری و از اعضای دفتر ایشان بودند. تواضع و فروتنی ایشان، خود ایشان در حد مرجعیت و از علمای برجسته‌ی استان یزد بودند اما در عین حال با آن علم و فرزانگی، تواضع و فروتنی ایشان مثال‌زدنی و قابل تأسی بود. امیدواریم خداوند روح این عالم گران‌قدر را با اولیا محشور بفرماید و به همه‌ی ما توفیق قدردانی از این نعمت‌ها و الگوبرداری از این اسوه‌های پاک و نورانی عنایت بفرماید.

## حادثه‌ی 11 سپتامبر

مطلبی که باید راجع به آن صحبت کرد، حوادثی است که در آمریکا اتفاق افتاد. همان‌طور که با ملاحظه‌ و رسانه‌ها در جریان هستید، آنچه در آمریکا اتفاق افتاد از حوادث کم‌نظیر و به یک معنا بی‌نظیر تاریخ معاصر باید باشد و نشان‌دهنده‌ی یک اتفاقات و وقایع بزرگی در آغاز قرن 21 هست.

### کینه‌ها و عداوت‌های درونی غربی‌ها در قرن 20

شما می‌دانید که اروپایی‌ها در قرن 20 شاهد دو جنگ جهانی بزرگ خانمان‌سوز بوده‌اند؛ یعنی این ادعاهایی که برای صلح‌دوستی می‌کنند و جهان اسلام و شرق و کشورهای جنوبی را به خشونت و نزاع متهم می‌کنند، قابل قبول نیست؛چون در پیشینه‌ی همین پنجاه سال اخیر جهان غرب، دو جنگ جهانی با آن ابعاد عظیم ثبت شده است. جنگ‌هایی که میلیون‌ها انسان را به کام آتش کشید و میلیون‌ها انسان را بی‌خانمان کرد و بین خودشان ‌هم بود. نمی‌توانند دنیای اسلام، جنوب یا شرق یا کشورهای در حال توسعه را متهم کنند. آتشی بود که بین خودشان اتفاق افتاد و کینه‌ها و عداوت‌ها و غرورهایی بود که دنیای غرب را با آن‌همه‌ ادعا، در برگرفت. علاوه بر این دو جنگ جهانی، ده‌ها جنگ که در دنیا به وجود آمد و در همه‌ی آن جنگ‌ها، دست توطئه‌ی آن‌ها دیده می‌شود. به‌هرحال یک پرونده‌ی سیاه برای ستم‌کاران غربی، در تاریخ ثبت شده است. درست است که در قرن بیستم علم و دانش و فن و تکنولوژی و صنعت در ابعاد خارق‌العاده‌ای متحول شد و تا جایی که علم و دانش و صنعت در خدمت بشریت و آسایش و رفاه انسان‌ها قرار می‌گیرد، ارزشمند و درخور تقدیر است و باید از آن استفاده کرد؛ اما در کنار آن‌هم باید این بحران‌ها و طوفان‌های بلاخیزی است که از آن تمدن بلند شده است.

### دخالت آمریکا در همه‌ی جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای و مصونیت آن‌ها از اثرات جنگ

آن‌ها در آغاز قرن 21 احساس آرامش می‌کردند و این‌طور که برخی از تحلیل‌گران می‌گویند، آمریکایی‌ها در حدود 50 جنگ منطقه‌ای سهم داشتند. در دو جنگ جهانی هم دخیل بوده‌اند. بخصوص در جنگ جهانی دوم؛ اما در طول این 40-50 سال که آمریکا به سمت اقتدار جهانی رفت و بخصوص زمانی که شوروی هم از هم پاشیده شد، آمریکا احساس ابرقدرتی بلامنازع می‌کرد و می‌کند و در طول جنگ‌های گذشته، دو جنگ جهانی، کره، ایران، خلیج و چندین جنگ منطقه‌ای و بین‌المللی، آمریکایی‌ها از این خطرها مصون و دور بوده‌اند. آن‌سوی آب‌ها زندگی می‌کردند و دخالت در همه‌ی دنیا می‌توانستند کنند و به دور از تیررس دخالت دیگران بوده‌اند و این در تاریخ آمریکا ثبت است.

### آثار امنیتی، اقتصادی و سیاسی حادثه

آنچه واقع‌شده این معادله را در نظام بین‌المللی به هم ریخت و این امر کوچکی نیست. از چند جهت آنچه عملیات تروریستی و انتحاری که آنجا واقع شد که با منطق و هیچ عقلی قابل قبول نیست و ایران ‌هم از کشورهایی است که آن نوع برخورد با یک عده‌ مردمی که با جنگ ارتباطی ندارد را قابل قبول نمی‌داند و محکوم کرد. ملت ایران ‌هم که ملتی با فرهنگ و با فکر و دارای تمدن اسلامی است، هرگز چنین حرکاتی را نمی‌پذیرد؛ اما این واقعه خیلی ابعاد وسیعی دارد که یک بعد سیاسی و امنیتی آن همین است که عرض کردم. آمریکا در طول 50 سال گذشته و دخالت در همه‌ی جنگ‌ها بخصوص جنگ جهانی دوم و علیرغم مداخله‌ی در بیش از 50 جنگ منطقه‌ای، خودش مصون از خطرات بوده است. نظام سیاسی و امنیتی آمریکا با این حرکت وحشتناک، فوق‌العاده آسیب‌پذیر شده است. به لحاظ اقتصادی هم قطعاً هجومی که به آن مقر تجارت بین‌المللی شد و هجومی که به پنتاگون با همه‌ی ضریب امنیتی که داشت، قطعاً ازنظر اقتصادی تا سال‌ها آثار عمیقی را بر اقتصاد جهانی و خود آمریکا باقی می‌گذارد. آن‌هم معیارهای امنیتی آن‌ها را فوق‌العاده دست‌خوش آسیب می‌کند. با همه‌ی حصارهای امنیتی، با همه‌ِ ملاحظات امنیتی، در یک روز و ساعت مشخص، چندین هواپیما ربوده شود و با برنامه‌ی طراحی‌شده و بعد هم آن اتفاق بیافتد. این‌ها معادلات زیادی را به می‌ریزد. ابعاد این فاجعه، چنان عظیم است که برخی از تحلیل‌گران در حد فروپاشی شوروی یا بالاتر از آن می‌دانند. یا مثل انقلاب بزرگ اسلامی ایران است که یک واقعه‌ی بسیار بزرگ در دنیا بود. به‌هرحال به معادلات امنیتی، سیاسی، روابط بین‌الملل و اقتصادی و بسیاری از این شاخص‌های اقتدار جهانی آمریکا با این عملیات دست‌خوش تحول می‌شود و آثار عمیقی را باقی می‌گذارد.

### احتمالات موجود در این قضیه

البته احتمالات زیادی در این قضیه هست. یک احتمال این است که گروه‌های تروریستی از هر جای دنیا که هستند و این کار را انجام داده‌اند که غلط هم بود. خود آمریکایی‌ها روی این احتمال مانور می‌دهند. احتمال دیگر این است که این کار صهیونیست‌ها بوده یا به‌احتمال سوم به رقابت‌های داخلی آمریکا برمی‌گردد. به‌هرحال بین این سه چهار احتمال، تردیدهایی وجود دارد گرچه احتمال اول شاید قوی‌تر باشد. این هم به لحاظ احتمالاتی است که در این قضیه وجود دارد و آنچه می‌شود در این قصه گفت، با همه‌ی آن ابعاد بزرگی که داشت این است که اصل این کار از دیدگاه ما و منطق ما کار درستی نیست و علیرغم این‌که سیاستمداران آمریکا در جنایات زیادی در دنیا سهم داشته‌اند، اما این کار با مردم عادی و با این ابعاد وحشتناک و گسترده، نمی‌تواند مورد تائید ما باشد و کار صحیحی نیست.

### نکات قابل‌توجه دولت‌مردان آمریکا

دو سه نکته اینجا وجود دارد که به نظر می‌آید اگر آمریکا‌یی‌ها بخواهند عاقلانه برخورد کنند و تمدن خود را حفظ کنند، باید به آن‌ها توجه کنند.

#### امنیت پوشالی آمریکا

اولین آن این است که آن‌ها بدانند که در کاخ شیشه‌ای زندگی می‌کنند. اقتصاد، امنیت، سیاست، روابط بین‌الملل آمریکا واقع کاخ است. اولین اقتصاد دنیاست. نافذترین سیاستمدار دنیاست؛ اما به‌هرحال این کاخ مجلل و باشکوه شیشه‌ای هست و می‌تواند با چنین حرکاتی که از یک دولت مشخصی هم نیست و از جای خاصی نیست و مشکل آن‌ها هم همین است که نمی‌دانند به چه کسانی طرف هستند، این‌طور می‌توانند آسیب‌ ببینند. بنابراین نکته‌ی اول این است که بدانند که در یک کاخ شیشه‌ای زندگی می‌کنند.

#### عدم دخالت در مسائل داخلی کشورها

نکته‌ی دوم هم این است که آمریکایی‌ها بر سر عقل بیایند و در معادلات بین‌المللی تجدیدنظر کنند. آن‌ها سال‌ها از آپارتاید و نژادپرستی در آفریقا حمایت می‌کردند. روز سر آن‌ها به سنگ خورد و دست از این نژادپرستی برداشتند و آفریقای جنوبی آزاد شد و کشور به دست اکثریت سیاه‌پوست افتاد. این به ضرر آمریکا نبود. این به نفع آمریکا بود که دست از ملت سیاه‌پوست بردارد و بگذارد که خودشان قدرت را به دست بگیرند. از این قلدری آمریکایی‌ها باید دست بردارند. شما به چه دلیلی با همه‌ی تدابیر و همه‌ی حیله‌ها تلاش می‌کنید که از اسرائیل حمایت کنید؟ بگذارید تا در آنجا با رأی و آراء و مشارکت ملت مسلمان فلسطین و مردم منطقه مشکلات حل‌وفصل شود. مانند چیزی که در آفریقای جنوبی شد. اگر سر عقل بیایند به ضرر آن‌ها نیست. در وقایع دیگر هم همین‌طور است. در روابطی که با ملت شریف ما داشتند، آمریکا باید از ما عذرخواهی کند؛ باید دست از برخوردهای جاهلانه بردارد. درست است که عصر جهانی‌شدن است اما نباید آن‌طور فکر کنند.

#### احترام به سایر فرهنگ‌های زنده‌ی دنیا

نکته‌ی سوم این است که آمریکا به این قصه بپردازد که جهانی‌شدن و انفجار اطلاعات و ارتباطات گسترده در دنیا، به معنای این نیست که همه‌ی دنیا فرهنگ مشخص آمریکایی را بپذیرند. فرهنگ‌های زنده‌ای در دنیا هست. تمدن‌های ریشه‌دار و کهنی در دنیا وجود دارد. تمدن اسلامی تمدنی است که دنیای غرب وامدار اوست. صنعت و تکنولوژی آن‌ها بر اساس آن شکل گرفته است. تمدن‌های شرقی هست که قابل احترام هستند و آمریکایی‌ها باید از آن اوج نشینی و کاخ‌نشینی پایین بیایند و بپذیرند که فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و افکار و انسان‌های دیگر هم کرامت و بزرگی دارند و صاحب پیام هستند و صرف مسائل پیشرفت اقتصادی غربی نمی‌تواند همه‌چیز را تعیین کند. این هم نکته‌ی دیگری است که باید آمریکایی‌ها به آن توجه کنند.

#### عدم پیروی از صهیونیست‌ها

نکته‌ی دیگر این است که آمریکایی‌ها باید از تندروی و کینه‌ورزی و انتقام‌جویی بی‌جا اگر برخی از سیاستمداران و کوتوله‌های فکری و سیاسی هستند این کار را انجام دهند، به ضرر آن‌ها تمام می‌شود و باید عاقلانه در برخورد با این قضیه عمل کنند. بخصوص باید مواظب باشند از سوءاستفاده‌ی صهیونیست‌ها از جناح‌هایی که علیه اسلام کار می‌کنند، تا در آن دام گرفتار نشوند. این حرکت از اسلام یا غیر اسلام باشد و چه ریشه‌هایی داشته باشد که خیلی پیچیده و عمیق است و به این سادگی هم نمی‌شود ابعاد آن را شناخت، این دلیل نمی‌َشود که با تمدن اسلامی و دنیای عرب برخورد ناسالمی داشته باشند. این هم نکته‌ای است که باید آمریکایی‌ها به آن توجه داشته باشند. من فکر می‌کنم اگر نگاه بصیرانه‌ای در میان ملت و مردم آمریکا باشد، این است که این همدلی مردم دنیا در محکوم کردن این فاجعه را قدر بدانند ما هم این را محکوم می‌کنیم و نباید این حرکت تائید شود؛ اما بیدار شوند. همین چهار پنج نکته توجه کنند و ابعاد قضیه را موردبررسی قرار دهند و درصدد اصلاح خود باشند. روابط و مناسبات خود را با جهان بیرون را اصلاح کنند؛ حتی شرکا و دولت‌های اروپایی آمریکا در این فاصله‌ی دو سه روز از خشم و انتقام‌جویی آمریکا و از حرکت‌های ناصحیحی که ممکن است به دنبال این قضیه پیش بیاید، اظهار نگرانی کردند.

### برخورد با همه‌ی اشکال تروریسم

باید قضیه ریشه‌یابی شود و با تروریست در همه‌ی اشکال آن باید برخورد شود. یک‌شکل از تروریسم هم بلایی است که اسرائیلی‌ها با سلاح‌های خود به رهبران فلسطینی حمله می‌کنند و آن‌ها را از بین می‌برند. این تروریسم نیست؟ دنیا چشم بینایی دارد و این نقطه‌ی عطف بزرگی است که می‌تواند معادلات دنیا را بر هم بزند و آمریکایی‌ها بر سر دوراهی قرار گرفته‌اند که یا به راه خود ادامه دهند که این خیلی خطرناک است. اگر این هجوم‌ها به پایگاه‌های اتمی آمریکا، روسیه یا جای دیگر انجام شود، برای کل بشریت خطرناک است. بشر در قرن 21 علیرغم همه‌ی پیشرفت‌ها در کنار زبانه‌ی آتش قرار گرفته که ممکن است همه‌ی بشریت را به کام خود ببرد. این نیازمند عقل و تدبیر دارد. یا باید آن راه را بروند که راه خطرناکی است یا بیدار شوند و با احترام و عقل و تدبیر و حفظ و صیانت از کرامت انسان‌ها و ملت‌ها و مظلومین و مستضعفین و ملل محروم دنیا برخورد کنند. رفاه و آسایش غرب به این نیست که به خود ببالد و رشد کند؛ رفاه و آسایش به این است که به همه‌ی دنیا اجازه دهند تا سطح اقتصادی، فرهنگی، علمی، سیاسی آن‌ها هم بالا بیاید. دنیای نامتوازن و نامتعادل، امر بسیار خطرناکی است و این حادثه می‌تواند غربی‌ها را بیدار کند و من باز تأکید می‌کنم که حادثه‌، حادثه‌ی غلط، اشتباه و حرکت ناصحیحی است؛ اما برخورد و عبرت گیری با آن‌هم امر مهمی است که امیدواریم که این عقل و درایت، در دنیا پیدا شود؛ وگرنه عواقب خطرناکی برای کل بشریت می‌تواند داشته باشد.

## بازگشایی مدارس و لزوم توجه به خانواده‌های نیازمند

در هفته‌ی آینده بازگشایی مدارس هست که بحمدالله آموزش‌وپرورش ما در امسال و سال گذشته هم موفقیت‌های خوبی داشته است البته آماری به من نداده‌اند اما فکر می‌کنم آمار خوب و قابل‌قبول و ستایش باشد. باید از همه‌ی عزیزان در آموزش‌وپرورش و دانش‌آموزان تشکر کرد و امیدواریم که در آستانه‌ی سال تحصیلی جدید و با تأکید بر اخلاق و معنویت در جوانان که امر مهمی در تربیت آن‌هاست و آشنا ساختن آن‌ها با نماز، عبادت، اخلاق، معنویت و این موازین اخلاقی و این موازین اخلاقی ان‌شاءالله سال تحصیلی شروع شود و همین‌طور وظیفه‌ی همه‌ی کسانی که تمکن مالی دارند این است که دانش‌آموزان و خانواده‌های مشکل‌داری که از تهیه‌ی حداقل لوازم شروع سال تحصیلی عاجز هستند. انسان گاهی واقعاً ملاحظه‌ی آن مشکلات قلب انسان را به درد می‌آورد. علاوه بر کارهایی که نهادهایی مانند کمیته و بهزیستی می‌کنند، امیدواریم که خود مردم هم‌دست مستمندان و خویشان و ایتام و بچه‌های بی‌سرپرست و کسانی که می‌توانند در سطوح بالاتر ادامه‌ی تحصیل داشته باشند، هوای آن‌ها را هم داشته باشیم.

## سالگرد آیه الله اعرافی

البته سالگرد مرحوم آیه الله اعرافی هست که پنج‌شنبه صبح مراسمی برای ایشان برگزار می‌شود. یاد آن عالم بزرگوار و مجاهد و شخصیت بزرگواری که بر همه‌ی ما حق عظیمی دارد را گرامی می‌داریم. ان‌شاءالله خداوند روح ایشان و شهدا و امام را با اولیاء خود محشور بفرماید.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر(ع) ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

1. . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . غررالحکم، ص 81. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-6)
7. . نهج‌البلاغه (صبحی صالح)، ص 71. [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان. [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان. [↑](#footnote-ref-10)
11. . همان. [↑](#footnote-ref-11)